



## فقه

فقه، به معنای فهمیدن و درک کردن می باشد که به **استنباط احکام شرع** کمک می‌کند. منظور از فقه، قوانین الزامی و غیر الزامی است که از طرف **خداوند متعال** برای **بشر** وضع گردیده است. **علم فقه** علمی است که از منظرهای مختلف و متعدد به بررسی این قوانین می‌پردازد و در پیرامون آن بحث می‌کند. موضوعات فقهی مثل **نماز، روزه، حج، معاملات** و بسیاری از موضوعاتی که در فقه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

### فهرست مندرجات

- ۱ - مقدمه
- ۲ - معرفی علم فقه
- ۳ - فقه در لغت
- ۴ - فقه در قرآن و روایات
- ۵ - فقه در اصطلاح فقیهان
- ۶ - موضوع علم فقه
- ۷ - هدف علم فقه
- ۸ - اهمیت و نقش فقه
- ۹ - قلمرو علم فقه
- ۱۰ - علوم مربوط به علم فقه
- ۱۱ - فقه در اصطلاح
- ۱۱.۱ - در اصطلاح علما
- ۱۲ - فقیه در لغت و اصطلاح
- ۱۳ - اهمیت و جایگاه فقه و فقیه
- ۱۴ - منابع و مبانئ فقه و اجتهاد
- ۱۵ - اهداف فقیهان و رسالت مرجعیت
- ۱۶ - اهتمام و خدمات مراجع
- ۱۷ - تاریخچه فقه و فقاہت
- ۱۸ - ادوار فقه
- ۱۸.۱ - دوره قبل از غیبت کبری
- ۱۸.۲ - دوره بعد از غیبت کبری
- ۱۸.۲.۱ - فقیهان دوران غیبت
- ۱۹ - فقیهان بعد از شیخ طوسی
- ۲۰ - فقیهان اخباری‌گری
- ۲۰.۱ - فقیهان مخالف اخباری‌گری
- ۲۱ - اوج شکوفایی مکتب اجتهادی
- ۲۲ - بزرگترین فقیهان این دوران
- ۲۳ - علوم پیش‌نیاز فقه
- ۲۴ - منابع اصلی علم فقه
- ۲۵ - تقسیم احکام فقهی
- ۲۵.۱ - احکام تکلیفی
- ۲۵.۲ - احکام وضعی
- ۲۶ - ابواب فقه
- ۲۷ - فهرست منابع
- ۲۸ - بانویس
- ۲۹ - منبع

### مقدمه

ارتباط **انسان** با خودش و با محیط بیرون از او، منشا نیازهای متعدد است. طبیعتاً سازماندهی و پاسخ‌گویی به این نیازها، محتاج قانون‌مندی و داشتن قوانینی است که بتواند انسان را به مقصود و مقصدش برساند. نیازهای مختلف بشر جنبه‌های مختلف جسمی، روحی، فردی و اجتماعی دارد که باید در زیر چتر حمایتی و راهبردی یک سلسله قوانین منطقی و صحیح تأمین گردد.

در جوامع بدوی، این قانون توسط رئیس گروه و یا قبیله وضع می‌شد؛ و در جوامع متمدن‌تر توسط **پیامبران الهی (علیهم‌السلام)** و در فقدان آنان توسط اندیشمندان و یا پادشاهان به صورت‌های گوناگون تحقق می‌یافت.

در زمان کنونی ما، هر دو نوع قانون، در سرزمین‌های مختلف مورد عمل و اجرا است: **قوانین الهی و قوانین بشری**. اما کدام برتر است؟ شاید وضع اصل قانون، کار چندان مشکلی نباشد، اما وضع قانونی که با تمامی ابعاد و جلوه‌های گوناگون حیات انسان کاملاً سازگار باشد بسیار دشوار است. بشر می‌تواند برای خود قانون وضع کند ولی هیچگاه نمی‌تواند ادعا کند که سازگارترین و شایسته‌ترین قانون مورد نیاز این موجود را وضع کرده است. دلیل آن بسیار روشن است، زیرا اطلاع بشر از زیر و بم ابعاد وجودی‌اش و از ریزه‌کاری‌های مکانیزم‌های حاکم بر **روح و جسم**، فرد و جمع، بسیار محدود و اندک است. و در مقابل، نقطه‌ای و نکته‌ای از وجود انسان و **حیات و مرگ، برزخ و قیامت** او بر کسی که او را خلق کرده است، یعنی **پروردگار**، پوشیده نیست. بدین ترتیب آیا نمی‌توان ادعا کرد که انسان برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرتش باید توجه خود را به سوی خداوند معطوف کند و ریسمان **بندگی الهی** را بر گردن نهد و تابع قوانین موضوعه او

باشد؟ (اندیشمندان اسلامی بر این باورند که تنها **وحی** می‌تواند منشأ و مرجع قوانین فردی و اجتماعی باشد و تمامی قوانینی که به وحی بازگشت نکنند، از ارزش و اعتبار تهی هستند.) [۱۷][۳۱][۳۲][۳۳][۳۴][۳۵]

اسلام کاملترین و آخرین دینی است که توسط پیامبر برگزیده خدا، **مجد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)** برای بشر تا **روز قیامت** به ارمغان آورده شده است. [۳۶]

## معرفی علم فقه

علم فقه از آغاز ظهور و گسترش اسلام و تعالیم آن، از نخستین علوم علمی بوده که مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. فقه اسلامی به مرور زمان دامن خود را گسترده‌تر کرد و موضوعات مختلفی را در حیطه مباحث علمی خود گرفت و به تدریج از وسیعترین علوم اسلامی گردید که همواره مورد تحصیل و تدریس بوده است. با تلاش و نبوغ فقیهانی یگانه، تالیفات فوق‌العاده زیاد و ارزنده‌ای نگاشته شده این آثار زمینه‌های گوناگون **حقوق اساسی، حقوق مدنی، حقوق خانواده، حقوق جزایی، اداری، سیاسی و...** مسائل شخصی مثل **عبادات** را شامل می‌شود. [۳۷][۳۸][۳۹][۴۰][۴۱]

منشأ این گستردگی را در این می‌توان یافت که قوانین اسلامی به نژاد یا قبیله خاص و به زمان یا مکان محدودی اختصاص ندارد، بلکه با توجه به نیازهای بشر و برای همه زمان‌ها و مکان‌ها و با توجه به مصلحت‌هایی که برای سعادت هر دو جهان وجود دارد، وضع گشته است. [۴۲]

## فقه در لغت

فقه در لغت، به معنای دانستن و فهمیدن است [۴۳][۴۴][۴۵] به معنای درک کردن چیزهای مخفی نیز آمده است. [۴۶] **راغب در مفردات**، آن را پی بردن از معلومات حاضر به معلومات غایب معنا کرده است. [۴۷]

فقه به معنای مطلق فهم و ادراک و دانش، علم به چیزی، درک و فهم آن چیز، دانستن، فهمیدن؛ فهم دقیق چیزی؛ درک اشیاء مخفی، فهم اشیاء دقیق؛ درک منظور و هدف گوینده؛ فهم دقیق مسائل نظری؛ جودت ذهن و سرعت انتقال؛ پی بردن از معلومات حاضر به معلومات غایب به کار رفته است. [۴۸][۴۹]

## فقه در قرآن و روایات

در **قرآن کریم** نیز از کلمه فقه و مشتقات آن، کم و بیش همین معانی لغوی اراده شده است. برای مثال به ذکر دو مورد اکتفا می‌کنیم:

- فهم چیزهای دقیق یا مخفی: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْتَجِيبُ يَحْمَدُهُ وَ لَكِنْ لَا تَقْفُوهُنَّ تَسْبِيحَهُمْ» [۳۳] و هیچ چیز نیست مگر آنکه شاکرانه او را تسبیح می‌گوید ولی شما تسبیح آنان را در نمی‌یابید.»
- مطلق فهم و درک: «فَالْوَالُوا بِأَسْعَى مَا تَفَقَّهُ كَثِيرًا مِمَّا تَقُولُ» [۳۴] گفتند ای **شعیب** بسیاری از آنچه می‌گویی در نمی‌یابیم.»

«فقه» در **روایات** و در بعضی **آیات قرآنی**، به معنای «**بصیرت در دین**» به کار رفته است. به عنوان مثال:

- «فَلَوْ لَا تَقَرَّ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» [۳۵] چرا از هر فرقه‌ای از آنان گروهی رهسپار نشوند که دین پژوهی کنند.»
- پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)** می‌فرماید: «مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ فِقْهِ فِى دِينِهِ» [۳۶] خداوند به چیزی برتر از بصیرت یافتن در دین او **عبادت** و پرستش نشده است.»

کلمه «فقه» در قرآن کریم، به معنای **تدبّر، تعمق و فهم عمیق** به کار رفته است. [۳۷][۳۸][۳۹][۴۰][۴۱] همین مفهوم گسترده برای فقه، در روایات نیز به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه، **امام صادق (صلوات‌الله‌علیه)** می‌فرماید: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ يَعْزُبُ خَيْرًا فَقَهَهُ فِى الدِّينِ» [۴۲] هرگاه خداوند **خیر و سعادت** بنده‌ای را بخواهد او را در دین، **بصیر** و آگاه می‌گرداند.» بنابراین، «فقه» در لسان قرآن کریم و روایات اسلامی، مفهومی گسترده دارد و عبارت از شناختی عمیق و وسیع نسبت به همه معارف دینی و دستوره‌های اسلامی است و به بخش خاصی اختصاص ندارد.

## فقه در اصطلاح فقیهان

فقه در اصطلاح فقیهان و اندیشمندان دین: در شریعت اسلام، هر قانون الهی، «**حکم**» نامیده می‌شود. [۴۳] هر حکم، مشخص‌کننده وظیفه‌ای است که خداوند متعال در مورد هر یک از کارهای بندگانش، از آنها انتظار دارد. هدف این احکام، این است که انسان عمل خاصی را در خارج انجام دهد یا ترک کند یا اینکه نسبت به ترک یا انجام آن **مخیر** باشد. و منظور از «علم فقه» علم یافتن به احکام شرعی است از راه‌های اثبات‌کننده آن. [۴۴] به عبارت دیگر، فقه، دانستن احکام شریعت است از راه استدلال و **برهان**. [۴۵]

## موضوع علم فقه

همانگونه که از تعریف اصطلاحی فقه بر می‌آید، موضوع فقه را تمامی قوانین و مقررات عملی فردی و اجتماعی اسلام تشکیل می‌دهد. [۴۶][۴۷]

## هدف علم فقه

هدف فقه کشف احکام الهی است. قوانین الهی، در مورد تمامی وقایع و موضوعات به صورت مشخص و دقیق بیان نشده است. هدف فقه این است که از طریق منابع و براهین فقهی، در تمامی مواردی که بشر نیازمند دانستن حکم الهی آن است به کنکاش پرداخته، قوانین مربوط به هر مورد خاص را کشف کند. [۴۸] فعالیتی را که فقیه برای کشف حکم الهی انجام می‌دهد، **استنباط** و یا **اجتهاد** می‌نامند.

## اهمیت و نقش فقه

اهمیت علم فقه و نقش و کارکرد آن: هر قانونی چه بشری و چه الهی بر اساس مصلحت و فایده وضع می‌گردد. تبعیت از هر قانون و گردن نهادن به آن، آن مصلحت و فایده را در پی خواهد داشت. قوانین الهی نیز چنین است، مصالح و فواید قوانین الهی، تماماً متوجه بندگانش می‌شود. این مصلحت‌ها برخی جنبه دنیوی و برخی جنبه اخروی دارد. نقش و اهمیت علم فقه این است که با مشخص ساختن قوانین الهی و کشف و تبیین آنها و تنظیم اعمال فردی و جمعی مسلمانان، راه رسیدن به این مصالح و بهره‌مندی از سعادت دنیوی و اخروی را فراهم می‌سازد. [۴۹] از این جهت است که بصیرت یافتن در دین همواره مورد تاکید خاص **معصومین (علیهم‌السلام)** بوده است:

**پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)** می‌فرماید: **أَنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ إِمَامَةً وَ دَعَاةً هَذَا الدِّينِ، الْفَقْهُ»** [۴۰] هر چیزی پایه و اساسی دارد، پایه و اساس این دین، فقه است.»

**امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)** می‌فرماید: **يَا بُنَيَّ... تَفَقَّهُ فِى الدِّينِ فَإِنَّ الْفُقَهَاءَ، وَرَتَّةَ الْأَنْبِيَاءِ»** [۴۱] ای فرزندم، به دنبال بصیرت یافتن در دین باش، همانا فقها وارثان پیامبرانند.»

شاید اغراق نباشد اگر ادعا کنیم که با توجه به اهداف و اهمیتی که فقه دارد، از جهت ارزشمندی، در جایگاه مقدم بر تمام علوم بشری است. سایر علوم بشری، اولاً مصلحت‌ها و منافع محدودی را تأمین می‌کنند و ثانیاً، حداکثر نیمی از سعادت بشر یعنی رفاه و آسودگی دنیوی را فراهم می‌آورند و تأمین سعادت اخروی بشر از بد کفایت و تشخیص و تقنین آنها خارج است.

پیشروی فقه در موضوعات حیات بشری تا آنجا است که اصل شریعت به پیش می‌تازد. تا هر کجا که دین به دخالت در پهنه‌های مختلف زندگی بشر پرداخته است، فقه نیز به آنها دست می‌یازد و به اظهار نظر و **امر و نهی** می‌نشیند. زندگی بشر و نیازهای او را می‌توان در سه حوزه تن و جسم، روح و روان، و ارتباط با خدا، با خود، و با سایر موجودات خلاصه کرد. فقه به تناسب هر کدام از این سه حوزه به راهنمایی می‌پردازد و فرامین الزامی یا غیرالزامی صادر می‌کند.<sup>[۴۳]</sup>

### علوم مربوط به علم فقه

از یک نظر، همگی علوم از جهت تبیین موضوعات فقهی به علم فقه مرتبطند. مثلاً **بیمه** یک موضوع اقتصادی است. **علم اقتصاد**، تبیین‌کننده این است که بیمه چیست؟ تعریف آن کدام است؟ خصوصیات ویژه آن چیست؟ بعد از تبیین این حد و حدود و واضح ساختن حقیقت و ماهیت این موضوع، علم فقه به بیان حکم آن می‌پردازد. پس، اصل موضوع را علم فقه از خارج از خود - مثلاً از علم اقتصاد - گرفته است ولی اینکه حکم فقهی آن چیست، در علم فقه به آن پرداخته می‌شود. البته خود علم فقه نیز موضوعات مشخصی را در درون خود دارد که می‌توان آنها را موضوعات اصیل فقهی یا موضوعات بلاواسطه فقهی نامید؛ مثل **عبادات**.

### فقه در اصطلاح

در اصطلاح بنابر اینکه فقه یک علم می‌باشد، به علم و استنباط احکام شرع از روی رأی و اجتهاد فقه اطلاق می‌شود.

### ← در اصطلاح علما

کلمه فقه به تدریج، در اصطلاح **علما**، به خصوص **فقه‌ها**، فقط به «فقه الاحکام» اختصاص یافته است و امروزه از کلمه «فقه» فقط مسائل عملی اسلام از **واجب و حرام** و مانند آنها به نظر می‌آید. به عبارتی علمای اسلام با الهام از برخی روایات، تعالیم اسلامی را به سه بخش «**عقاید**»، «**اخلاق**» و «**احکام و قوانین عملی**» تقسیم کرده‌اند. آنان کلمه «فقه» را فقط در مورد «**احکام و قوانین عملی اسلام**» به کار برده‌اند.

### فقیه در لغت و اصطلاح

فقیه در لغت به معنای دانشمند و فرد دانا می‌باشد.

فقیه در اصطلاح به کسانی که احکام شرعی را توسط **رأی** و اجتهاد خویش به واسطه قرآن کریم، **سنت**، **عقل** و **اجماع** بدست می‌آورند گفته می‌شود.<sup>[۴۳]</sup>

### اهمیت و جایگاه فقه و فقیه

پیرامون ارزش و اهمیت علم فقه شبه‌های وجود ندارد، زیرا فقه شامل علمی است که قوام دین و دنیا و نظام معاش و **معاد** وابسته به آن است. با علم فقه است که انسان درمی‌یابد چه وظیفه‌ای در برابر **خالق** و پروردگار خویش دارد و با علم فقه است که انسان‌ها حرام خدا را از حلال خدا تشخیص می‌دهند.<sup>[۴۴]</sup> و جایگاه فقیه و مراجع دینی در بین مسلمانان به‌ویژه **شیعیان** مشخص است چنانکه **حضرت امام خمینی** (رحمة‌الله) می‌فرماید: «**ولایت** جامعه اسلامی از زمان **غیبت کبری** از سوی شارع مقدس به فقیهان عادل و پارسا تفویض شده و هر زمانی که یک فقیه عادل توانست **حکومت اسلامی** را تأسیس کند، بر همه مردم و حتی دیگر فقها لازم است که از وی تبعیت کنند.»

همین‌طور حضرت امام می‌فرمایند: «چون چنین فقیهان و مراجعی **نایب امام زمان** هستند، همه اختیارات پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه اطهار (علیه‌السلام) را در امر حکومت دارا هستند و این‌گونه نیست که اختیارات فقیه در دایره محدودی باشد بلکه او صاحب **ولایت مطلقه** است.»<sup>[۴۵]</sup>

### منابع و مبانی فقه و اجتهاد

منابع استخراج احکام شریعت، مطابق **مذهب شیعه امامیه** به چهار اصل (**کتاب**، **سنت**، **اجماع** و **عقل**) منحصر بوده ولیکن بیشتر احکام دینی در کتاب و سنت که به منزله قانون اساسی و آئین‌نامه اجرایی آن می‌باشد به طور مستقیم و غیرمستقیم بیان شده است. **مراجع** و فقیهان شیعه که توانایی استخراج احکام از مدارک نامبرده را دارند به منظور تعیین و رفع مسئولیت از خود و دیگران بدان اشتغال می‌ورزند و در این باب کوشش می‌نمایند که از این عمل در **عرف متشرعه** اجتهاد و در اصطلاح قرآنی به **تفقه** تعبیر می‌شود و لزوم آن هم تأکید شده است.<sup>[۴۶]</sup>

### اهداف فقیهان و رسالت مرجعیت

همان‌گونه که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده‌اند: ان العلماء ورثة الأنبياء؛ یعنی علماء وارثان پیامبرانند و **امام موسی بن جعفر (علیه‌السلام)** فرموده‌اند: لأن المؤمنین الفقهاء حصون الإسلام؛ یعنی فقهای مؤمن دژهای اسلامند. پس بنابراین مؤمنان موظفند که در عصر غیبت در مورد «**حوادث واقعه**» به **فقهاء** مراجعه کنند، زیرا آنان راویان احادیث امامان و حجت آنان برای مردم هستند.<sup>[۴۷] [۴۸]</sup>

رسالت عمده فقها و مراجع شیعه در طول تاریخ این بوده که میراث گرانبهای انبیاء که دین و **شریعت الهی** است را از گزند تهاجمات و تحریفات حفظ کرده و با به پای پیشرفت زمان و مقتضیات هر عصری، کاروان بشریت را به سوی اهداف بلند و آسمانی پیامبران، هدایت و رهبری نمایند و با کاوش‌های عالمانه و مدبرانه خویش، تکلیف انسان‌ها را در حوادث واقعه و **مسائل مستحدثه** روشن سازند.<sup>[۴۹]</sup>

### اهتمام و خدمات مراجع

علماء شیعه و محدثین و فقهاء علوم اسلامی نهایت سعی و تلاش را نموده‌اند تا آنچه از سوی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و **اهل بیت (علیهم‌السلام)** نقل شده است را حفظ و نگهداری کنند. علما و فقهاء شیعه همه روایات اسلامی را که در علوم مختلف می‌باشد را گرد آورده‌اند، و نیز علماء شیعه در طول تاریخ با وضعیتی نابسامان انواع درد و **رنج** و شکنجه‌ها را تحمل کرده‌اند، اما هیچ چیزی مانع از خدمات و اهتمام آنان برای انجام تعهدات و مسئولیت در برابر خدای تعالی و گسترش آئین توحیدی نشده است.<sup>[۵۰]</sup>

### تاریخچه فقه و فقاقت

تقریباً می‌توان گفت از عصر نبی اکرم و ائمه اطهار (علیه‌السلام) به گونه‌ای فقه و فقه‌ت آغاز شده و علماء و دانشمندان اسلامی در این زمینه گام برداشته‌اند.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نمایندگانی را در عصر خویش که آگاهتر به مسائل دینی و قرآنی بودند برای بیان احکام و آشنا کردن مردم با اسلام و قرآن کریم به میان طوائف و اقوام دیگر می‌فرستادند، همانند مأموریت **جعفر بن ابی‌طالب** به **حیثه** و اعزام **مصعب بن عمیر** به **مدینه**.

بر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آیه‌ای نازل شد که «و ما كان المؤمنون ليتفرؤا كاهن فلولاً نفر من كل فرقة منهم طائفة، ليتفقوها في الدين ولينذروا قومهم اذا رجعوا اليهم لعلهم يحذرون؛ [۵۱]» نباید مؤمنان همگی به **حنگ** و **جهاد** بپردازند بلکه گروهی (طائفه‌ای) کوچ کنند تا در دین تفقه کنند و هنگام بازگشت به سوی قوم خویش آنان را **انذار** دهند و بترسانند.»

پس بنا بر تصریح قرآن کریم وجود علماء ضرورت داشته است و با آغاز **غیبت کبری**، این رسالت علماء و فقها سنگین‌تر شده است. زیرا در عصر قبل از غیبت که عصر حضور ائمه اطهار بود، علماء به علت حضور ائمه تحت‌الشعاع بودند و مردم هم حتی‌المقدور مشکلات خود را با ائمه اطهار در میان می‌گذاشتند اما پس از غیبت کبری تمامی مسئولیت دینی به عهده علماء و فقهاء شیعه افتاد. [۵۲] و **امام زمان (عج)** فرمودند: «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواه احاديثنا فانهم حجتى عليكم و انا حجة الله عليهم» [۵۳][۵۴][۵۵] البته فقه از اواخر قرن اول هجری مرسوم شد یعنی از این زمان کسانی پیدا شدند که استنباط احکام دینی را از طریق ادله شریعت بدست می‌آوردند. [۵۶] اما موقعیت خاص و ویژه‌ای که برای مراجع و فقهاء شیعه پیش آمد از سال ۳۲۹ هجری بوده است زیرا از این زمان فقهاء شیعه عهده‌دار تشریح و تبیین احکام اسلام و پاسخگوی پرسش‌های **شیعیان** بوده‌اند و از اینجا بود که مرجعیت شیعه تکوین یافت و پیوند مستحکمی میان شیعیان و مرجعیت برقرار گردید. [۵۷]

## ادوار فقه

ظهور مکتب‌ها همواره با وضع قوانین مبتنی بر عناصر اعتقادی همراه بوده است. اسلام نیز از این امر مستثنا نیست. قوانین اسلام از طریق وحی و توسط پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به مردم ابلاغ می‌شد. این دوره را، دوره یا عصر تشریح احکام [۵۸][۵۹][۶۰][۶۱][۶۲] می‌نامیم.

### ← دوره قبل از غیبت کبری

بعد از رحلت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، بیان احکام به عهده ائمه هدی (علیهم‌السلام) بود و آنچه را که توسط پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و از طریق امام قبل از خود یافته بودند، در اختیار مسلمین قرار می‌دادند. این روند تا ابتدای زمان غیبت کبری ادامه یافت. این دوره را که دوره بعد از رحلت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است می‌توان دوره تبیین نامید زیرا بسیاری از قوانین دین توسط امامان (علیهم‌السلام) برای مردم بیان گشت. [۶۳][۶۴][۶۵] در این دوره فقهای به معنای واقعی، خود ائمه اطهار (علیهم‌السلام) بودند و شاگردان ایشان بیشتر نقش انتقال‌دهنده قوانین بیان شده توسط امامان (علیهم‌السلام) را بر عهده داشتند. اوج دوره تبیین در زمان **امام باقر** و **امام صادق** (علیهم‌السلام) است. [۶۶][۶۷] فضای باز سیاسی فرصتی را به دست داد تا امام باقر و امام صادق (علیهم‌السلام) در **مسجد** و منزل خود مجالس علم و دانش برقرار کنند و به نشر معارف اسلامی خصوصاً فقه شیعه و تربیت اندیشمندان و فقیهان بپردازند.

### ← دوره بعد از غیبت کبری

با آغاز غیبت کبری، (سال ۳۲۹ هـ، آغاز غیبت کبری است. قبل از آن به مدت ۶۹ سال از زمان شهادت **امام حسن عسگری (علیه‌السلام)** به نام **غیبت صغری** نامیده می‌شود. در این مدت، امام زمان (علیه‌السلام) از طریق **نواب چهارگانه** خود با **شیعیان** در ارتباط بودند. به هنگام فرارسیدن فوت **ابوالحسن علی بن محمد السمری**، آخرین نایب خاص حضرت، به ایشان فرمودند: تو به «زودی فوت خواهی کرد؛ کسی را به جانشینی تعیین مکن؛ غیبت تا مه واقع شده است...» [۶۸] فصل جدیدی در فقه شیعه باز می‌شود: دوره عدم دسترسی به **امام معصوم (علیه‌السلام)**. این عصر جدید، به حسب تطور و تکاملی که در نحوه کشف حکم شرعی از منابع فقهی صورت می‌گیرد، به دوره‌های مختلفی تقسیم می‌گردد. در آغاز، به علت نزدیکی دانشمندان اسلامی به عصر حضور ائمه (علیهم‌السلام)، فعالیت فقهی آنان بیشتر متوجه جمع‌آوری احادیث ائمه و تدوین آنها در کتب جداگانه و یا دسته‌بندی کردن موضوعی احادیث بود. [۶۹][۷۰][۷۱][۷۲]

### ←← فقیهان دوران غیبت

مهمترین این فقیهان عبارتند از: [۷۳][۷۴]

۱. **مجد بن یعقوب الکلینی الرازی** (متوفای ۳۲۹ هـ)؛
  ۲. **مجد بن بابویه** (متوفای ۲۸۱ هـ) معروف به شیخ صدوق، او از رؤسای محدثان شیعه است؛
  ۳. **مجد بن نعمان** (متوفای ۴۱۳ هـ) معروف به شیخ مفید؛
  ۴. **سید مرتضی** (متوفای ۴۲۶ هـ) مقلب به علم الهدی.
- دور شدن تدریجی از عصر حضور و ظهور موضوعات جدیدی که حکم فقهی آنها را در میان احادیث نمی‌توان یافت و یا در مورد آن، روایات و احادیث متخالف و متعارض وجود داشت، و بعضی مسائل دیگر، موجب گشت اندیشمندان اسلامی برای استخراج و کشف قوانین شرعی این موضوعات بر مبنای منابع اصلی به تکاپو افتند. [۷۵][۷۶][۷۷][۷۸][۷۹][۸۰] یعنی فعالیت‌های بالاتر و بیشتر از نقل حدیث که تا قبل از این زمان جریان داشت. در حقیقت، اینان، اولین فقیهان واقعی در عصر غیبت هستند.

این فعالیت اجتهادی برای کشف احکام شرعی از میان متون و منابع فقهی با فراز و نشیب‌هایی تاکنون ادامه یافته است. اولین فقهی که به طور گسترده و جدی به اجتهاد و استخراج احکام فقهی پرداخت، **مجد بن الحسن الطوسی** (متوفای ۴۶۰ هـ)، مشهور به شیخ طوسی است. اولین تحول عظیم فقه اجتهادی شیعه به دست او تحقق یافت. بعد از فوت استادش، سید مرتضی، رهبری حوزه بزرگ علمی شیعی را عهده‌دار شد. عظمت علمی او چنان بود که برای سالیان دراز، شعله اجتهاد فروکش کرد و اندیشمندان و دانشمندان شیعه به جای اجتهاد به تقلید از فتاوی او پرداختند. کسی را یارای مخالفت با آراء فقهی او نبود. در علوم مختلف دست داشت. با وجود اشتغالات بسیار سیاسی و اجتماعی، موفق به تالیف آثار ارزشمند بسیاری گشت. از بزرگترین و معروفترین کتاب‌های او، **تهذیب** و **استبصار** در حدیث، **مبسوط** و **نهایه** و **خلاف** در فقه، **عدةالاصول** در اصول فقه، **تمهیدالاصول** و **تلخیص‌الشافی** در علم کلام و کتاب **التبیان** در تفسیر است. [۸۱]

### فقیهان بعد از شیخ طوسی

پس از شیخ طوسی، فقیهان بزرگی ظهور کردند که هر کدام به نوبه خود در سیر جریان تفقه تاثیر گذاشته‌اند. طلایه‌داران حرکت اجتهادی پس از ایشان عبارتند از: [۸۲]

۱. **مجد بن احمد الحلّی** (متوفای ۵۹۸ هـ) معروف به ابن ادریس؛
۲. **جعفر بن الحسن الحلّی** (متوفای ۶۷۶ هـ) معروف به محقق حلّی؛
۳. **حسین بن یوسف حلّی** (متوفای ۷۲۶ هـ) معروف به علامه حلّی؛
۴. **مجد بن مکی** (متوفای ۷۸۶ هـ) معروف به شهید اول؛
۵. **علی بن حسین عاملی** (متوفای ۹۴۰ هـ) معروف به محقق کرکی؛
۶. **زین‌الدین بن علی عاملی** (متوفای ۹۶۵ هـ) مشهور به شهید ثانی.

### فقیهان اخباری‌گری

همزمان با ظهور و اوج گرایش استدلالی و استنباطی به فقه، فقیهان دیگری ظهور کردند که به مخالف شدید با رویکرد استدلالی پرداختند و نهضت بزرگ و تأثیرگذاری به نام مکتب اخبارگیری را که تا یک قرن بر مراکز عمده و مهم فقهی شیعه سلطه مقتدرانه داشت بنیان گذاردند. سردمدار این حرکت برخورد، مرحوم **مجد امین استرآبادی** است که با نبوغ سرشار خود به تخریب پایه‌ها و اساس استدلال‌ها و خرده‌گیری‌های گرایش عقلی افراطی [۸۲] پرداخت و احکام فقهی را بر پایه مندرجات کتب حدیثی و روایی مستحکم کرد. تلاش او اجتهاد فقهی را برای مدت طولانی **عقیم** کرد. این مکتب با اندیشه بزرگان چون مرحوم **فیض کاشانی**، **حزّ عاملی**، **علامه مجلسی**، **شیخ یوسف بحرانی** تثبیت و تقویت گردید. [۸۴][۸۵][۸۶] بزرگان که فرس این مکتب را گستراندند عبارتند از:

۱. مجد امین استرآبادی (متوفای ۱۰۳۶ هـ)؛
۲. مجد بن مرتضی (متوفای ۱۰۹۱ هـ) ملقب به مولی محسن فیض کاشانی؛
۳. مجد بن حسن حرّ عاملی (متوفای ۱۱۰۴ هـ) معروف به شیخ حرّ عاملی؛
۴. مجدباقر مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هـ) معروف به علامه مجلسی؛
۵. شیخ یوسف بحرانی (متوفای ۱۱۱۶ هـ) که او نیز یکی دیگر از بزرگان مکتب اخبارگیری است. اثر ارزنده او **الحدائق الناضرة** نام دارد. او از کسانی است که با تعدیل آراء خود به افول جریان اخبارگیری کمک کرد.

## ← فقیهان مخالف اخبارگیری

زوال اخبارگیری با درخشیدن اندیشمندان بزرگی به نام **مجد باقر بهبهانی** (متوفای ۱۲۰۵ هـ) معروف به وحید بهبهانی و شاگردان او آغاز می‌شود. او با استعداد وافر خود از طرفی به ردّ شبهات و تشکیک‌های مکتب اخبارگیری پرداخت و از طرف دیگر به گونه‌ای منطقی و مستدل پایه‌های مکتب اجتهاد را استوار ساخت. کتاب معروف او در رد مکتب حدیث، **القوائد الجائزیه** نام دارد. نامی در مقابل **القوائد المدنیه** تالیف سردمدار نهضت اخبارگیری، مجد امین استرآبادی. نبوغ او در رد افکار افراطی اخباریان چنان بود که کم‌کم پلایه‌داران دفاع از اخبارگیری را نیز به تردید واداشت و آنان را به تعدیل مواضع فکری خود متمایل ساخت. بدین ترتیب اخبارگیری به تدریج از میان حوزه‌های فقهی رخت بر بست و اجتهاد و استنباط فقهی دوباره روند حاکم و مسلط در آن مراکز علمی گردید. این سیطره علمی تاکنون نیز ادامه دارد. [۸۹][۹۰][۹۱]

بزرگترین فقیهان این نهضت علمی عبارتند از: [۹۲]

۱. **سید مجد مهدی طباطبایی** (متوفای ۱۲۱۲ هـ) معروف به بحر العلوم؛
۲. **شیخ جعفر کاشف الغطاء** (متوفای ۱۲۲۷ هـ)؛
۳. **سید علی طباطبایی** (متوفای ۱۲۳۱ هـ) معروف به صاحب ریاض؛
۴. **میرزا ابوالقاسم قمی** (متوفای ۱۲۳۱ هـ) مشهور به میرزای قمی؛
۵. **احمد بن مجد مهدی نراقی** (متوفای ۱۲۴۵ هـ)؛
۶. **شیخ مجد حسین اصفهانی**، (متوفای ۱۲۵۴ یا ۱۲۶۰ هـ) مشهور به صاحب فصول؛
۷. **شیخ مجدحسین اصفهانی** (متوفای ۱۲۶۶ هـ) مشهور به صاحب جواهر.

## اوج شکوفایی مکتب اجتهادی

اوج شکوفایی مکتب اجتهادی را پس از آن، در فعالیت‌های نابغه یگانه، مرحوم **شیخ مرتضی انصاری** (متوفای ۱۲۸۱ هـ) می‌یابیم. [۹۳][۹۴][۹۵] ایشان با تأییدات الهی و عنایات ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، تحول عظیمی را در تفکر فقهی و مبانی اصولی آن پایه‌گذاری کرد که از آن زمان تاکنون بی‌نظیر بوده است. شیخ انصاری با استدلال‌های عمیق و اندیشه والای خود به سرعت به جذب و پرورش انسان‌های مستعدی پرداخت که پس از او پرچم فقاقت اجتهادی را در دست گرفتند و فقه شیعی بر دوش آنان به بالیدن خود ادامه داد. [۹۶] مرحوم شیخ آثار ارزشمندی از خود به یادگار گذاشت. از مشهورترین آنها که هم اکنون نیز از کتب اصلی حوزه‌های علمیه است، **فرانداصول** مشهور به رسائل، در اصول فقه و **مکاسب** در فقه است. این دو کتاب، معرفت دقت نظر و جَولان عظیم فکری مرحوم شیخ است. عظمت علمی این دو اثر، دانشمندان و فقهاء و عالمان پس از او را بر آن داشت که بر شرح و توضیح این دوائر جاویدان بپردازند. این دو کتاب بزرگ در حقیقت موتور محرکه حرکت برخورد علمی پس از اوست. این نابغه فقه، با نظرات و آراء و دقت‌های بی‌بدیل و ابتکاری خود، تحولی شگرف را در فقه و اصول فقه شیعه پدید آورد که امواج آن هنوز هم کرانه‌های این علوم را در می‌نوردد.

## بزرگترین فقیهان این دوران

چند تن از بزرگترین فقیهان پس از او عبارتند از: [۹۷]

۱. **مجد حسن شیرازی** (متوفای ۱۲۱۲ هـ) معروف به میرزای شیرازی بزرگ؛
۲. **مجد کاظم خراسانی** (متوفای ۱۲۳۹ هـ) معروف به آخوند؛
۳. **سید مجدکاظم بزدی** (متوفای ۱۲۳۷ هـ)؛
۴. **میرزا مجد حسین نائینی** (متوفای ۱۲۵۵ هـ)؛
۵. **شیخ عبدالکریم حائری** (متوفای ۱۲۵۵ ش)، از فقهای برجسته شیعه است، و به عنوان مؤسسه **حوزه علمیه قم** شناخته می‌شود؛
۶. **شیخ مجد حسین اصفهانی** (متوفای ۱۲۶۱ هـ)؛
۷. **آقا ضیاء الدین عراقی** (متوفای ۱۲۶۱ هـ)؛
۸. **سید ابوالحسن اصفهانی** (متوفای ۱۲۶۵ هـ)؛
۹. **حاج آقا حسین بروجردی** (متوفای ۱۲۸۰ هـ)؛
۱۰. **سید محسن حکیم** (متوفای ۱۲۹۰ هـ)؛
۱۱. **سید ابوالقاسم خویی** (متوفای ۱۴۱۳ هـ)، آثار علمی او هم اینک در حوزه‌های معتبر علمی شیعه مورد مذاقه و بحث و نقد قرار می‌گیرد. او از یگانه مجتهدانی است که با آراء متقن خود، نوعی میناسازی علمی را در فقه و اصول و رجال پایه‌گذاری کرد.
۱۲. **روح الله خمینی** (متوفای ۱۴۰۹ هـ، ۱۲۶۸ ش)، شخصیت عظیمی که احیاءگر اسلام در قرن ۱۴ هجری است. مجاهدات دامنه‌دار، طولانی و خالصانه، او را به رهبر بلامنازع مسلمین جهان مبدل ساخت. تالیفات ایشان هم اکنون مورد مراجعه اندیشمندان در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها است.

## علوم پیش‌نیاز فقه

برای فراگیری علم فقه، کمابیش به دانستن علومی نیازمندیم: **زبان عرب** که زبان قرآن روایات و کتب فقهی است؛ **تفسیر قرآن**، علم شناخت روایان حدیث (علم رجال)؛ **منطق**، برای شناخت کیفیت تفکر و استدلال؛ و مهمتر از همه، **علم اصول فقه** که پایه‌های اساسی نحوه استنباط و کشف حکم شرعی را به دست می‌دهد. [۹۸]

## منابع اصلی علم فقه

وظیفه فقیه، کشف و استنباط حکم شرعی است. فقیه در فقه شیعه، نظر و رای شخصی خود را ابراز نمی‌دارد. بلکه کار او، کشف رای و نظر الهی است که از طریق وحی به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) رسیده، و بسیاری از آنان بر لسان و زبان ائمه هدی (علیهم‌السلام) تبیین یافته است. [۹۹][۱۰۰] این آراء الهی در منابعی نهفته است که به عنوان منابع علم فقه شناخته می‌شوند. **قرآن** به عنوان بیان‌کننده اقیان و کلیات قوانین الهی، اولین و مهمترین منبع فقهی است. پس از آن، روایات و احادیث جایگاه مهمی را از این نظر دارا هستند: از روایات و **احادیث** به عنوان **سنت** نام برده می‌شود. دو منبع دیگر نیز در فقه

امامیه به عنوان منابع علم فقه مورد توجه هستند، اجماع و عقل. منظور از «اجماع» اتفاق نظر تمامی فقها بر یک حکم است. و منظور از «عقل»، آن درکی است که عقل به نحو حتمی و قطعی آن را می‌یابد. برای هر کدام از این منابع، شرایطی وجود دارد که تنها در صورت محقق شدن آنها صلاحیت خواهند داشت مستند احکام فقهی قرار گیرند.

## تقسیم احکام فقهی

احکام فقهی: [۱۰۱] [۱۰۲] [۱۰۳] [۱۰۴] در یک تقسیم بسیط و اولیه و به طور خلاصه، احکام فقهی به دو دسته می‌شوند:

### ← احکام تکلیفی

این احکام قوانینی هستند مشتمل بر امر یا نهی و یا ترخیص. احکام تکلیفی پنج نوع‌اند:

۱. **وجوب**: به موجب این حکم، انسان می‌بایستی فعل مورد نظر خداوند را حتماً انجام دهد و در صورت تخلف از آن، کیفر می‌شود.
۲. **استحباب**: به موجب این حکم، انسان می‌تواند فعل مورد نظر شارع را ترک کند بدون اینکه کیفر شود ولی اگر آن را انجام دهد پاداش می‌یابد.
۳. **حرم**: به موجب این حکم، انسان می‌بایستی فعل مورد نظر شارع را حتماً ترک کند و در صورت ارتکاب آن، کیفر می‌شود.
۴. **کراهت**: به موجب این حکم، انسان می‌تواند فعل مورد نظر شارع را انجام دهد بدون اینکه کیفر شود ولی اگر آن را انجام ندهد، پاداش می‌یابد.
۵. **اباحه**: به موجب این حکم، انسان می‌تواند فعل مورد نظر شارع را انجام دهد یا ترک کند، بدون اینکه کیفر شود یا پاداش یابد.

### ← احکام وضعی

هر یک از احکامی که در دایره شمول احکام تکلیفی قرار نگیرد، حکم وضعی نامیده می‌شود. مثل سببیت، شرطیت، جزئیت، مانعیت، صحت، بطلان، زوجیت، ملکیت و... به عنوان مثال، نجس بودن بدن و لباس، مانع صحت و قبولی نماز است. «مانعیت» یک حکم وضعی است. و یا وقتی معامله‌ای مطابق قوانین الهی انجام نشود، به باطل بودن متصف می‌شود. بطلان، یک حکم وضعی است. تقسیمات دیگری نیز در مورد احکام الهی وجود دارد.

## ابواب فقه

موضوعات فقهی مثل نماز، روزه، حج، معاملات و بسیاری از موضوعاتی که در فقه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، در یک دسته‌بندی کلی به صورت زیر گرد هم می‌آیند:

۱. **عبادات**: شامل طهارت، نجاست، نماز، روزه، حج، خمس، زکات و...؛
  ۲. **عقدها (عقود)**: شامل تجارت، اجاره، ازدواج و...؛
  ۳. **ایقاعات**: شامل طلاق، حعاله، نذر، عهد و...؛
  ۴. **احکام**: شامل صید، کشتار حیوانات، ارث و...؛
- این تقسیم‌بندی را مرحوم محقق حلی در کتاب **شرائع الاسلام** ارائه کرده است و از زمان ایشان تاکنون تقریباً دسته‌بندی رایج مجموعه‌های فقهی بوده است.

## فهرست منابع

۱. انصاری، مجدعلی، الموسوعة الفقهية الميسرة، ج اول، قم: مجمع الفكر الاسلامی، ۱۴۱۵ هـ.
۲. پاینده، ابوالقاسم؛ نهج الفصاحة (سخنان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم))، تحقیق و ترتیب: غلام حسین مجیدی، ج اول، قم: انصاریان، ۱۳۷۹ ش.
۳. تقوی، سید مرتضی، جایگاه فقه در اندیشه دینی، قم: مجله فقه اهل بیت، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۴ ش.
۴. جمال الدین حسن بن زین الدین، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۴۵ ش.
۵. جناتی، مجد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴ ش.
۶. خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج اول، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
۷. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر حقوق اسلامی، ج دوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی، دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۶ ش.
۸. شهبایی، محمود، ادوار فقه، ج پنجم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۹. الطوسی، ابوجعفر مجد بن الحسن، کتاب الغیبة، تحقیق عباد الله الطهرانی و علی احمد ناصح، قم: موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۷ هـ.
۱۰. الکلینی الرازی، ابوجعفر مجد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ هـ.
۱۱. گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۷ ش.
۱۲. گروه مطالعات اسلامی دایره المعارف انسان شناسی، فرهنگ اصطلاحات فقهی، ج اول، تهران: انجمن قلم ایران، ۱۳۷۷ ش.
۱۳. موسسه دائرةالمعارف الفقه الاسلامی، موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت - (علیهم‌السلام) -، قم: موسسه دائرةالمعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ.
۱۴. مجلسی، مجدباقر، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار ائمة الاطهار، ج چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ ش.
۱۵. مدرسی طباطبایی، سیدحسین، مقدمه‌ای بر فقه شیعه (کلیات و کتاب‌شناسی)، مترجم: مجد آصف فکرت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۱۶. المشکینی، علی، اصطلاحات الاصول و معظم ابیائها، ج ششم، قم: الهادی، ۱۳۷۴ ش.
۱۷. مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، فقه، قم: صدرا، بی‌تا.
۱۸. المعزى الملایری، اسماعیل، جامع احادیث الشیعه، قم: مؤلف، ۱۳۷۱ ش.
۱۹. موسوی، رضا، آشنایی با مبادی فقه یا حقوق اسلامی، مشهد: دانش شرقی، ۱۳۷۹ ش.
۲۰. نوری، مجد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحدیث، ۱۳۷۸ ش.

## پانویس

- ↑ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر حقوق اسلامی، ص ۲۹۶.
- ↑ ابن سینا، الشفاء، الهیات، ج ۱، قاهره، ۱۲۸۰ هـ، ص ۴۴۱.
- ↑ طوسی، خواجه نصیرالدین، اخلاق ناصری، تصحیح مینوی و حیدری، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۰ ش، ص ۲۵۳.
- ↑ فارابی، ابونصر، سیاست مدنی، ترجمه سید جعفر سجادی، تهران: انجمن فلسفه و حکمت، ۱۳۵۸ ش، ص ۱۵۵.
- ↑ شهبایی، محمود، ادوار فقه، ج پنجم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵ شه، ج ۱، ص ۱۹-۱۱.
- ↑ خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، ج اول، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹ ش، ج ۲۱، ص ۹۸.
- ↑ مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، فقه، قم: صدرا، بی‌تا، ص ۵۲.
- ↑ مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، فقه، قم: صدرا، بی‌تا، ص ۵۸.
- ↑ تقوی، سید مرتضی، جایگاه فقه در اندیشه دینی، قم: مجله فقه اهل بیت، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۴، ش ۲، ص ۱۹۷-۱۹۸.
- ↑ تقوی، سید مرتضی، جایگاه فقه در اندیشه دینی، قم: مجله فقه اهل بیت، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۴، ش ۲، ص ۲۱۱.

۱۱. ↑ جنتی، مجد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴ ش، ص ۱۰.
۱۲. ↑ جنتی، مجد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴ ش، ص ۹.
۱۳. ↑ جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللّغة، ج ۶، ص ۲۲۴۳.
۱۴. ↑ فیروزآبادی، مجد بن یعقوب، قاموس المحيط، ج ۴، ص ۲۸۹.
۱۵. ↑ ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، وازه فقه، ج ۴، ص ۴۲۲.
۱۶. ↑ عبدالناصر، جمال، موسوعه فی الفقه الاسلامی، ج ۱، ص ۹.
۱۷. ↑ رابع اصفهانی، حسین بن مجد، مفردات الفاظ القرآن، وازه فقه، ص ۶۴۲.
۱۸. ↑ موسیسه دائرهالمعارف الفقه الاسلامی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (علیهم السّلام)، قم: موسیسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۲ هـ، ص ۱۷.
۱۹. ↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۷.
۲۰. ↑ شهبایی، محمود، ادوار فقه، ج پنجم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵ ش، ج ۱، ص ۳۰.
۲۱. ↑ نوری، مجد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحدیث، ۱۳۷۸ ش، ص ۷.
۲۲. ↑ جنتی، مجد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴ ش، ص ۳.
۲۳. ↑ اسراء/سوره ۱۷، آیه ۴۴.
۲۴. ↑ هود/سوره ۱۱، آیه ۹۱.
۲۵. ↑ توبه/سوره ۹، آیه ۱۲۳.
۲۶. ↑ مجلسی، مجدباقر، بحارالانوار الجامعة لدر اخبار ائمة الاطهار، ج چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۲۱۳، ج ۸.
۲۷. ↑ منافقون/سوره ۶۳، آیه ۷-۳.
۲۸. ↑ انعام/سوره ۶، آیه ۶۵.
۲۹. ↑ انعام/سوره ۶، آیه ۹۸.
۳۰. ↑ اسراء/سوره ۱۷، آیه ۴۴.
۳۱. ↑ اسراء/سوره ۱۷، آیه ۴۶.
۳۲. ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲.
۳۳. ↑ مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، فقه، قم: صدرا، بی تا، ص ۵۴.
۳۴. ↑ جمال الدین، حسن بن زین الدین، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، قم: موسیسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۵ ش، ص ۲۶.
۳۵. ↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۷.
۳۶. ↑ نوری، مجد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحدیث، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۵.
۳۷. ↑ موسوی، رضا، آشنایی با مبادی فقه یا حقوق اسلامی، مشهد: دانش شرقی، ۱۳۷۹ ش، ص ۴۹.
۳۸. ↑ جنتی، مجد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴ ش، ص ۸.
۳۹. ↑ موسیسه دائرهالمعارف الفقه الاسلامی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (علیهم السّلام)، قم: موسیسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۲ هـ، ص ۹.
۴۰. ↑ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، نهج الفصاحة، شماره ۴۶۳۱، ص ۳۳۳.
۴۱. ↑ معزی ملایری، اسماعیل، جامع احادیث الشیعه، قم: مؤلف، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۱۴۲، ج ۲۶.
۴۲. ↑ نفوی، سید مرتضی، جایگاه فقه در اندیشه دینی، قم: مجله فقه اهل بیت، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۴ ش ۲، ص ۲۱۱.
۴۳. ↑ دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، ج ۳۷، ص ۲۹۴.
۴۴. ↑ صافی گلپایگانی، علی، پیش درآمدی بر تاریخ تحول فقه شیعه، ص ۶۹.
۴۵. ↑ امام خمینی، روح الله، ولایت فقیه، ص ۵۸.
۴۶. ↑ طباطبائی، مجد حسین و دیگران، بختی درباره مرجعیت و روحانیت، ص ۲۶.
۴۷. ↑ جمعی از جامعه روحانیت، مرجعیت رمز بقاء تشیع، ص ۲، به نقل از اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴.
۴۸. ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴.
۴۹. ↑ جمعی از جامعه روحانیت، مرجعیت رمز بقاء تشیع، ص ۲۰.
۵۰. ↑ صافی گلپایگانی، علی، پیش درآمدی بر تاریخ تحول فقه شیعه، ص ۸۲.
۵۱. ↑ توبه/سوره ۹، آیه ۱۲۳.
۵۲. ↑ مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۴۸۰.
۵۳. ↑ حر عاملی، مجد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۴۰.
۵۴. ↑ باقی، عمادالدین، کاوشی در روحانیت، ص ۱۷، به نقل از وسائل الشیعه، کتاب القضاء، ج ۱۸.
۵۵. ↑ عاملی، مجد بن حسن، وسائل الشیعه، کتاب القضاء، ج ۱۸، ص ۸۶.
۵۶. ↑ ممدوحی، حسن، حکمت حکومت فقیه، ص ۴۶.
۵۷. ↑ حسینی، سلیم، نقش علمای شیعه در رویارویی با استعمار، ص ۸.
۵۸. ↑ موسیسه دائرهالمعارف الفقه الاسلامی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (علیهم السّلام)، قم: موسیسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۲ هـ، ص ۳۴.
۵۹. ↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۰.
۶۰. ↑ شهبایی، محمود، ادوار فقه، ج پنجم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵ ش، ج ۲، ص ۶۲.
۶۱. ↑ نوری، مجد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحدیث، ۱۳۷۸ ش، ص ۹.
۶۲. ↑ جنتی، مجد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴ ش، ص ۲۵.
۶۳. ↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۱۳.
۶۴. ↑ جنتی، مجد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴ ش، ص ۲۲۵.
۶۵. ↑ موسیسه دائرهالمعارف الفقه الاسلامی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (علیهم السّلام)، قم: موسیسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۲ هـ، ص ۳۷.
۶۶. ↑ موسیسه دائرهالمعارف الفقه الاسلامی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (علیهم السّلام)، قم: موسیسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۲ هـ، ص ۳۹.
۶۷. ↑ موسوی، رضا، آشنایی با مبادی فقه یا حقوق اسلامی، مشهد: دانش شرقی، ۱۳۷۹ ش، ص ۸۰.
۶۸. ↑ طوسی، مجد بن حسن، کتاب الغیبه، تحقیق عیاد الله الطهرانی و علی احمد ناصح، قم: موسیسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۷ هـ، ص ۳۹۵، ج ۳۶۵.
۶۹. ↑ موسیسه دائرهالمعارف الفقه الاسلامی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (علیهم السّلام)، قم: موسیسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۲ هـ، ص ۴۹.
۷۰. ↑ نوری، مجد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحدیث، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۹.
۷۱. ↑ انصاری، مجدعلی، الموسوعه الفقهیه المبیتره، ج اول، قم: مجمع فکر الاسلامی، ۱۴۱۵ هـ، ص ۴۳.
۷۲. ↑ جنتی، مجد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴ ش، ص ۲۲۵.
۷۳. ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، کافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ هـ، مقدمه حسین علی محفوظ.
۷۴. ↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۲۰-۱۴۲.
۷۵. ↑ موسیسه دائرهالمعارف الفقه الاسلامی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (علیهم السّلام)، قم: موسیسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۲ هـ، ص ۵۰-۵۲.
۷۶. ↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۲۴-۱۲۵.
۷۷. ↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۷۵.
۷۸. ↑ نوری، مجد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحدیث، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۹.
۷۹. ↑ انصاری، مجدعلی، الموسوعه الفقهیه المبیتره، ج اول، قم: مجمع فکر الاسلامی، ۱۴۱۵ هـ، ص ۴۳.
۸۰. ↑ جنتی، مجد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴ ش، ص ۳۳۹.

۸۱. ↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۷۸ به بعد.
۸۲. ↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۲۲-۲۲۷.
۸۳. ↑ موسسه دائرةالمعارف الفقه الاسلامی، موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (عليهم السلام)، قم: موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۳۳ هـ، ص ۶۱.
۸۴. ↑ موسسه دائرةالمعارف الفقه الاسلامی، موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (عليهم السلام)، قم: موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۳۳ هـ، ص ۶۰-۶۴.
۸۵. ↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۳۰-۲۳۴.
۸۶. ↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۲۶ به بعد.
۸۷. ↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۳۰-۲۳۳.
۸۸. ↑ موسسه دائرةالمعارف الفقه الاسلامی، موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (عليهم السلام)، قم: موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۳۳ هـ، ص ۶۲.
۸۹. ↑ موسسه دائرةالمعارف الفقه الاسلامی، موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (عليهم السلام)، قم: موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۳۳ هـ، ص ۶۴-۶۹.
۹۰. ↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۲۶ به بعد.
۹۱. ↑ نوری، مجد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحديث، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۹.
۹۲. ↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۲۵.
۹۳. ↑ موسسه دائرةالمعارف الفقه الاسلامی، موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (عليهم السلام)، قم: موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۳۳ هـ، ص ۶۹.
۹۴. ↑ نوری، مجد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحديث، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۶.
۹۵. ↑ جنتی، مجد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴ ش، ص ۲۴۶.
۹۶. ↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۵۸ به بعد.
۹۷. ↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۷۸ به بعد.
۹۸. ↑ نوری، مجد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحديث، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۰.
۹۹. ↑ نوری، مجد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحديث، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۵.
۱۰۰. ↑ مدرسی طباطبایی، سیدحسین، مقدمه‌ای بر فقه شیعه (کلیات و کتاب‌شناسی)، مترجم: مجد آصف فکرت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۸ ش، ص ۱۲.
۱۰۱. ↑ مشکینی، علی، اصطلاحات الاصول و معظم اجازتها، ج ششم، قم: الهادی، ۱۳۷۴ ش، ص ۱۲۰.
۱۰۲. ↑ گروه مطالعات اسلامی دائرة المعارف انسان شناسی، فرهنگ اصطلاحات فقهی، ج اول، تهران: انجمن قلم ایران، ۱۳۷۷ ش، ص ۷۱.
۱۰۳. ↑ مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، فقه، قم: صدرا، بی‌تا، ص ۵۵-۵۶.
۱۰۴. ↑ نوری، مجد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحديث، ۱۳۷۸ ش، ص ۴۰.

## منبع

- سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «فقه»، تاریخ بازیابی ۹۶/۱۱/۲.
- سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «فقه»، تاریخ بازیابی ۹۶/۱۱/۲.
- نوری، مجد اسماعیل، آشنایی با ابواب فقه، ص ۱۳-۱۴.